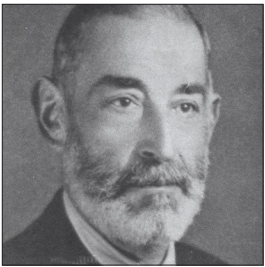


از آن همه دبروز / بازخوانی تاریخ

## بسی رنج بردم در این سال سی…



آریو، موسی معروفی

موس‌ی معروفی سال ۱۲۶۸ در خانواده‌ای موسیقی‌دوست متولد شد. به موازات تحصیلات قدیمه، نواختن سه‌تار را شروع کرد و گاه پیانو نیز می‌نواخت. به محضر اساتید بزرگ آن زمان و دست‌آخ‌ر نزد درویش خان رفت و شاگردی «ایپیر جان» را به اشتیاق پذیرفت. سال‌ها کار کرد تا به اخذ نشان تبر زین از دست درویش خان نائل شد. پس از چندی، نزد سلطان حسین خان هنگ‌آفرین به فراگرفتن نت پرداخت. از همان

آریو، موسی معروفی، از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ در سوئیس زندگی کرد.

آریو، موسی معروفی، در سوئیس زندگی کرد.

آریو، موسی معروفی، در سوئیس زندگی کرد.

سن نوجوانی به این فکر افتاد تا ردیف موسیقی سنتی ایران را به خط نت بنویسد. با اینکه از قابلیت‌های بسیار برای احراز مقام نوازنده حرفه‌ای برخوردار بود، عشق به جمع‌آوری و نوشتن ردیف او را از صرافت نوازندگی انداخت. برای نوشتن ردیف با همه اساتید زمان خود تماس گرفت تا با جمع‌آوری ردیف هر کدام از آنها و انطباق آن با یکدیگر، صحیح‌ترین روایت را بیابد. این کار سی سال از عمر و وقت موسی خان را گرفت و در این راه، نخست دکتر لطف‌الله مفخم و بعدها محمد بهارلو تنها یاوران او بودند.

او ذوق آهنگسازی نیز داشت و روح‌الله خالقی آهنگ زیبای مرغ حق او را با شعر رهی معیری و آواز بنان در ارکستر گل‌ها اجرا کرد. برای انتشار هر یک از آثار خود سختی‌های فراوان کشید، با این حال از زحمات او هیچ‌گونه تقدیری به عمل نیامد و حتی اداره هنرهای زیبا، هنگام چاپ کتاب او به آوردن عنوان ساده گردآورنده‌ی موسیقی؛ معروفی اکتفا کرد. موسی معروفی سرانجام هفتم شهریور ۱۳۴۴ درگذشت.

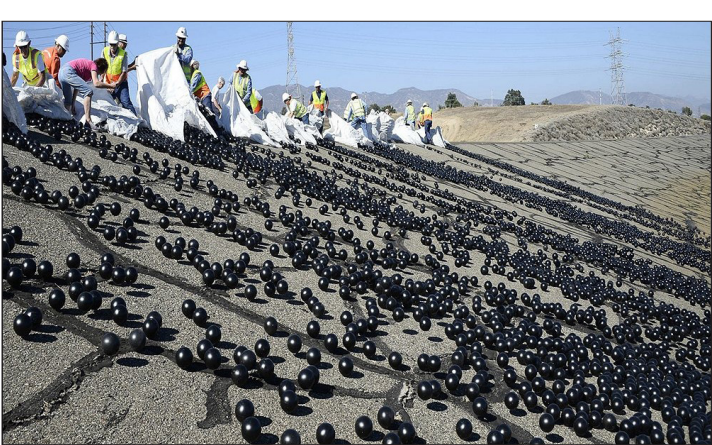
**خودزنی** / محیط‌زیست

## یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم

۹۶ میلیون توپ سیاه، راهی مخزن سد کالیفرنیا شد. توپ‌ها نگهدیئاتان آب شده بودند تا از قطره قطره آبی که پشت دیوار بلند سد جمع شده بود، محافظت کنند. عکس‌ها و فیلم‌های لحظه‌ای که توپ‌ها را می‌شوند و سطح آب را سیاه‌سیاه می‌کنند، به سرعت شبکه‌های اجتماعی را پشت سر گذاشت و چشم میلیون‌ها کاربر را خیره کرد. بسیاری، تلاش‌های جهانی برای حفاظت از گوه‌ری را که می‌گویند جنگ جهانی سوم را رقم خواهد زد، تحسین کردند و خیلی‌ها هم این طرح جالب و خارق‌العاده را با این عنوان که امریکایی‌ها مجری آن هستند، برای دوستانشان بازنشر می‌کردند. در روزهایی که تب توپ‌های سیاه، فضای مجازی را گرفته بود، کاربران ایرانی هم عکس و فیلم‌های طرحی را منتشر می‌کردند که نمی‌دانستند طراح آن یک ایرانی است. جوانی ایرانی که تلاش کرده دشمن محیط‌زیست را به دوست آب تبدیل کند و توپ‌های پلاستیکی را برای حفاظت از قطره‌های آبی که تبخیر می‌شوند به کار بگیرد. پدram محمدی سال ۱۳۵۳ در شهر کرد به دنیا آمد و در اصفهان بزرگ شد. در ایران مهندسی شیمی خواند و پس از آن از سوی یک شرکت مجارستانی دعوت به کار شد. در دانشگاه فن‌ی بوداپست، مهندسی مکانیک خواند و سال ۲۰۰۹ تصمیم گرفت در رشته مهندسی حفاظت محیط‌زیست ادامه تحصیل بدهد.
تُر پایان نامه فوق لیسانس او، استفاده از توپ‌های پلاستیکی برای کاهش سطح تبخیر آب بود. طرحی که بعدها تکمیل شد و توپ‌های سیاه پلاستیکی را به نگهدیئاتان جدید آب تبدیل کرد. طراح ایرانی توپ‌های سیاه، در گفت‌وگو با «شهرود» از این طرح و پیشنهاده اجرای آن در ایران گفت. طرح این مهندس جوان ایرانی علاوه بر آمریکا در کشورهای آلمان، انگلیس، بلژیک، رومانی، ترکیه، امارات و عربستان سعودی اجرا شده است. او می‌گوید: «این پروژه بیشتر روی آب‌های راكد عمل می‌کند. فرض کنیم دریاچه‌ای خشک شده و هیچ آبی در آن نیست، ولی به‌رحال ما بارندگی داریم. اگر ما همان مقدار آبی که بر اثر بارش جمع می‌شود را بیوشانیم، بارش‌های بعدی به این بارش اضافه خواهد شد و سطح آب کم کم بالا خواهد آمد. زمان می‌برد ولی سطح آب بالا می‌آید. به شرطی که بارندگی داشته باشیم».

پدram محمدی درباره هزینه اجرای این طرح در ایران می‌گوید: «در ایران این هزینه بسیار کمتر خواهد بود، تقریبا یک سوم. خودمان پتروشیمی داریم و برای تهیه مواد اولیه مشکلی نداریم. از نظر صنعتی، امکان تولید توپ‌ها در داخل کشور هم وجود دارد. هزینه تولید بر اساس وزنی که توپ‌ها دارند، تعیین می‌شود، این توپ‌ها بین ۳۷ تا ۴۰ گرم وزن دارند. ماده کمی برای تولید آنها استفاده می‌شود و در عین حال مواد پلاستیکی در ایران، قیمت پایینی دارد و مقرون به صرفه است.

او همچنین درباره نجات آب‌های باقی‌مانده در ایران معتقد است: «ما کشوری گرم و خشک داریم، زیاد نمی‌توانیم منتظر باران بمانیم. بارندگی فقط می‌تواند به ما کمک کند که سطح آب‌هایی که از آنها محافظت می‌کنیم را بالا ببریم. باید آب‌ها را نجات دهیم. زمستان باران می‌آید، آب پوشش دارد، سطح آب بالا می‌آید و تابستان سطح آب بیشتری خواهیم داشت و تقریبا ثابت می‌ماند. در شرایط ایران، می‌توان واقعا تا ۹۰ درصد جلوی تبخیر را گرفت. البته باید ۹۰ درصد تبخیر ۷۰ درصدی را حساب کنیم که می‌شود، ۶۳ درصد. یعنی ۶۳ درصد تبخیر ۷۰ درصدی آب در کشور کاهش می‌یابد».



**فارسی را پاس بداریم**

### در سنگ خاره قطره باران اثر نکرد

خسته و کوفته در راه برگشت از یکی از سفرهای یکی دوروزه طاقت‌فرسایی بودم که به جای اینکه آرامش و استراحت نصیب آدم کنند، تمام روزهای هفته را به چرت‌های کوتاه و بلند یواشکی در محل کار میدل می‌کنند. در آزادراه تهران-رشت یا بهتر بگویم رشت-تهران چشمم به تابلویی در حاشیه جاده افتاد که بر آن نوشته شده بود: «هدشار! خطر انحراف از مسیر بر اثر خواب‌آلودگی». مرض همیشه‌گی مانند خوره به جانم افتاد. از خودم پرسیدم: بر اثر؟ یا در اثر؟ کدامشان درست است؟ تا برسم به تهران و از وسط ترافیک جمعه‌شب پایتخت خود را به خانه برسانم و سری به کتاب‌هایم بزنم چندساعتی طول کشید. خلاصه کنم، رسیدم و دست و صورت نشسته رفتم سراغ «غلط‌نویسیم» تا یادام بیاید استاد ارجمندم ابوالحسن نجفی در مورد «اثر بر» یا «بر اثر» چه گفته است. ایشان در این باره در صفحه ۱۴ کتاب ارزشمندشان نوشته‌اند: «حرف اضافه‌ای که همراه کلمه اثر و (مرادف آن تائیر)، به کار می‌رود، بر طبق متون معتبر فارسی، معمولاً «در» است؛ «نفس هر چند سرکش است، لیکن پندبیز بود و ریاضت در وی اثر کند: (کیمیای سعادت، ج ۲،

**نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر**

## در انتظار دروازه‌های دور

«نقب زدن به امریکا» آن تایلر با ترجمه گلی امامی منتشر شد

رمان «نقب زدن به امریکا» نوشته آن تایلر با ترجمه گلی امامی منتشر شد. این رمان به زندگی سام و زیبا، یگ زن و شوهر ایرانی می‌پردازد که در امریکا زندگی می‌کنند و قرار است کودکی را به فرزندی قبول کنند. داستان، بیشتر حول محور مادر سام می‌گذرد که پس از ازدواج به امریکا آمده و در دنیایی متفاوت از فرهنگ خود زندگی کرده است. آن تایلر داستانش را حول محور زندگی زیبا و سام می‌زدانی و مادر سام-مרים-می‌سازد. در عین حال او به سبک زندگی مهاجران دیگری از آسیای شرقی هم می‌پردازد و زمانی را می‌سازد که نیویورک تایمز آن را در ی تازه به زندگی جامعه مهاجر در آمریکا نامیده است. این رمان سال ۲۰۰۶ به مدت سه هفته در فهرست پرفروش‌ترین‌های آمازون بود.

صرف نظر از اینکه نقب زدن به آمریکا در میان کتاب‌های آن تایلر کتابی ویژه محسوب می‌شود، خود آن تایلر نیز نویسنده‌ای خاص برای مایرانیان (در میان نویسندگان آمریکایی) به شمار می‌رود. آن تایلر همسر تقی مدرسی نویسنده ایرانی است که با انتشار رمان «یکلیا و تنهایی او» در میانه دهه ۳۰نمایش در ایران سر زبان‌ها افتاد. «یکلیا و تنهایی او» نه تنها با تأیید منتقدان همراه شد بلکه به عنوان بهترین اثر سال جایزه‌ای نیز بدان تعلق گرفت. تقی مدرسی چندی بعد برای تحصیل پزشکی به آمریکا رفت. با آن تایلر ازدواج کرد و در آمریکا ماندگار شد. مدرسی که آثار دیگری نیز به فارسی و انگلیسی نوشته است، چند سال پیش درگذشت.

آن تایلر در سال ۱۹۴۱ در مینیاپولیس به دنیا آمد و در رالی، کارولینای شمالی، بزرگ شده است. در ۱۹ سالگی از دانشگاه دوک (یکی از معتبرترین دانشگاه‌های امریکا) کارشناسی‌اش را دریافت کرد و به دانشگاه کلمبیافتا کارشناسی ارشدنش را در رشته مطالعات روسی ادامه دهد.

این کتاب هفدهمین رمان آن تایلر است؛ یازدهمین رمان او، «درس‌های تنفس» در سال ۱۹۸۸

**گردش روزگار برعکس است**

## سوت پایان

ما را به غمزه گشت و قصا را بهانه ساخت
خود سوی ماندید و حیا را بهانه ساخت
رفتم به مسجدی که ببینم جمال دوست
دستی به رخ کشید و دعا را بهانه ساخت…
(منسوب به قاتل لاهوری)

برنده جایزه پولیتزر شد. آن تایلر عضو آکادمی هنر و ادبیات امریکا و ساکن بالتیمور است.

در بخشی از رمان «نقب زدن به امریکا» می‌خوانیم:

«ساعت هشت شب فرودگاه بالتیمور تقریبا خالی بود. در راهرو عریض خاکستری‌رنگ پرنده پر نمی‌زد، غرفه‌های مطبوعات تاریک، و کافه‌ها بسته بودند. اکثر دروازه‌های ورودی هم مسافران آخرین پروازها را تحویل داده بودند. صفحات اطلاعات پرواز خاموش بود و ردیف صندلی‌های پلاستیکی سالن انتظار خالی و و هم‌انگیز بود.

با این حال می‌توانستی زمزمه خفیفی را از دور بشنوی؛ زمزمه‌ای حاکی از انتظار در انتظار دروازه ورودی «دی». می‌توانستی کودک هیجان‌زده‌ای را در میان راهرو ببینی که از شدت چرخ زدن نزدیک به سرگیجه بود، و بعد بزرگسالی که آمد جلو، و او را بغل گرفت و برد به سالن ورودی دروازه، در حالی که کودک نخودی

می‌خندید و به خود می‌پیچید. بعد زنی را با لباس زرد و بغلی گل سرخ ساقه‌بلند می‌بینی، که به

تأخیر رسیده، و دوان دوان به طرف منتظران می‌دود.»

مترجم این اثر نیز گلرخ ادیب محمدی مشهور به گلی امامی نویسنده، مترجم و فعال فرهنگی

است که نام خانوادگی فعلی‌اش را از نام همسرش کریم امامی گرفته است.

از آثار گلی امامی می‌توان به ترجمه «دختری با گوشواره‌های مروارید» اثر تریسی شوالیه و «حباب شیشه‌ای» اثر سیلویا پلات اشاره کرد.



**طرح: جین لونگ / استرالیا**



**…پرواز را به خاطر بسپار / پرنده مردنی است.** (فروغ فرخزاد)

**با کاروان حله / اخبار هنر**

## شجریان و ناظری؛ داوران جشنواره جوان



محمد رجبی، مدیر جشنواره جوان

عنوان مثال در بخش موسیقی کلاسیک ساز تمبک اضافه شده و در بخش سازهای کلاسیک

غربی هم چند ساز بادی دیگر اضافه شده‌اند. همچنین از اسمال بخش موسیقی نواحی هم

وارد جشنواره شده است. اسعدی افزود: از ابتدای کار، شورای سیاست‌گذاری تشکیل شد. در هر بخش به صورت جداگانه ۱۵ استاد حضور خواهند داشت که جمعا ۶۰ نفر را شامل می‌شوند مشغول تدوین و بازبینی آثار هستند. علی‌ترین دبیر اجرایی جشنواره هم در باره رویکردهای جدید جشنواره دوره نهم گفت: در این جشنواره شاهد حضور سه نسل از موسیقی هستیم. نزدیک به ۱۲۰۰ اثر برای بازبینی به دبیرخانه ارسال شده و از این میان ۳۳۹ کار به مرحله نهایی راه پیدا کردند. هومان اسعدی دبیر علمی جشنواره در بخش دیگر این نشست به حضور اساتید برتر موسیقی اشاره کرد و گفت: شورای تخصصی بخش آواز متشکل از پنج نفر هستند که در این بخش محمدرضا شجریان، علی اصغر شاه‌زیدی، نصرالله ناصح‌پور، رامبد صدیف و شهرام ناظری آثار را قضاوت می‌کنند و فراخوان بخش آواز نیز زیر نظر این اساتید تدوین شد.

### محمدر رسول‌الله و اعتراض ملاقلی‌پور جوان



هفته اخیر، یکی از خبرسازترین هفته‌ها در اکران فیلم‌های روی پرده سینما بود؛ از اکران پر جنب‌وجوش فیلم محمد رسول‌الله (ص) به کارگردانی مجید مجیدی تا حرکت عجیب یک کارگردان سینما در اعتراض به حذف سرگروهی فیلمش. محمد رسول‌الله در دو روز اکران خود به فروش قابل توجهی دست پیدا کرد. این فیلم در ۴۰ سالن سینما در تهران اکران و هم‌زمان در شهرهای

بزرگی چون مشهد و اصفهان نیز اکران عمومی شده است. باتوجه‌به تیزرهای متعددی که از تلویزیون پخش می‌کند و بیلبوردهایی که در سطح شهر نصب شده، مورد استقبال مردم در این دو روز بود است. دیگر فیلمی حاشیه‌ساز، قندون چهیز به به کارگردانی علی ملاقلی‌پور بود؛ فیلمی که حواشی آن روز گذشته با انجام بازی دو تیم فوتبال ستارگان ایران و جهان به اوج رسید. واسط بازی به ناگهان کارگردان این فیلم با پوشیدن لباسی همراه با لوگو و نام فیلم قندون چهیز به وارد زمین فوتبال شد. فیلم ملاقلی‌پور که حدود ۱۶ روز است در اکران عمومی به سر می‌برد، به دلیل اکران محمد رسول‌الله (ص) از سرگروهی برداشته و با اکران‌های محدود در سالن‌های سینما روبرو شد. ملاقلی‌پور بعد از چند روز تصمیم گرفت اعتراض خود را به شکلی دیگر و با پخش تراکت برای فیلمش ادامه دهد. با مساعدت سازمان سینمایی و معاون اجتماعی از بازداشت این کارگردان سینما توسط نیروی انتظامی جلوگیری شد. با این حال، قندون چهیز به تاکنون نزدیک به نیم میلیارد تومان فروش داشته و همچنان با چند سانس محدود روی پرده است.

ص ۴۸۶)؛ «شبی در مجلس عشرت بعد از آنکه شراب در او اثر کرده بود به زلف اباز نگر بست» (چهار مقاله، ۶۷)؛

سیل سرشک ما دلش کین به در نبرد

در سنگ خاره قطره باران اثر نکرد (حافظ)

در سال‌های اخیر، تحت تاثیر ترجمه‌ها و زبان‌های فرنگی، رسم شده است که در چنین عباراتی اغلب «بر» استعمال کنند. بعضی از محققان این را غلط می‌دانند و معتقدند که در آثار گذشتگان، همراه اثر (یا تائیر) هرگز «بر» به کار نرفته است. ولی چنین نیست و پیشینیان حرف اضافه اخیر را نیز، البته به ندرت، در این مورد استعمال کرده‌اند:

کمال هم‌نشین بر من اثر کرد

وگرنه من همان خاکم که هستم (گلستان سعدی، چاپ یوسفی، ۵۱)

حتی در متن واحد و در عبارتی تقریبا مشابه، «در» و «بر» به یکسان به کار رفته است: «چون آن

<sup>[1]</sup> حال بدید در دل وی عظیم اثر کرد». (نصیحه الملوک، ۲۶۹)؛ «این سخن بر دل من اثر کرد»

<sup>[2]</sup> (همان کتاب، ۳۵۷).